



خانواده و حیات اجتماعی

خانواده و فرهنگ

به راستی بین فرهنگ به عنوان روح حاکم بر روابط انسان‌ها و خانواده به عنوان زیباترین مظهر رابطه انسانی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا فرهنگ، خانواده را می‌سازد و تحت تأثیر قرار می‌دهد، یا خانواده فرهنگ را متأثر می‌سازد؟

در این نوع مباحث؛ بهترین سخن آن است که بگوییم: «این دو رابطه متقابل دارند.» بدون تردید تعامل و رابطه متقابل بین امور، قاعده عالم هستی است و اصولاً چیزی در عالم مشاهده نمی‌کنیم که صرفاً منفعل باشد و هیچ فعلی از خود بروز ندهد. ولی نکته ظریف در شرح تعامل امور آن است که تعامل امور با عدل و انصاف نگریسته شود. در تبیین رابطه فرهنگ با خانواده نیز به چنین تدبیر و دقتی محتاج می‌باشیم.

اگر در این نکته بسیار مهم تأمل کنیم که اعضای جامعه هر کدام محصول یک خانواده‌اند و رفتارهای آنان به مجموعه‌ای به نام فرهنگ شکل می‌دهند، حقیقت امر روشن می‌شود.

منصوره رحمان دوست

مشاور فرهنگی رئیس سازمان مرکزی

انجمن اولیا و مربیان

به نهاد مقدس خانواده از هر طرف که بنگریم عظمت و جلال بیهت‌آوری را ملاحظه می‌کنیم. این بیهت و تحیر به دلیل آن است که این نهاد ریشه‌دار تاریخ بشری مخلوق خداوند است و آغاز حرکت جامعه بشری در پرتو آثار و عملکردهای آن شکل گرفته است. هیچ کدام از نهادهای بشری این ویژگی را دارا نمی‌باشد و جمال و جلال خانواده در عالم هستی بی نظیر است.

در این مقاله قصد داریم از منظر عوامل بیرونی به نهاد خانواده بنگریم تا ارتباط نظم اجتماعی کلان با نظام به ظاهر خرد خانواده چهره بگشاید و مشتاقان عرصه تربیت را بیش از پیش به خود جلب کند.

به طور کلی وقتی افراد به عنوان نوجوان و جوان از خانواده خود بیرون می‌آیند، صرفاً شخص ظاهر نمی‌شود، بلکه «شخصیت» ظاهر می‌گردد. این شخصیت که مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی فرد را به نمایش می‌گذارد، به طور مستقیم در محیط پیرامون تأثیرگذار است. یعنی هر فرد با یک سرمایه اجتماعی خاص راه خانه تا جامعه را می‌پیماید. اگر این سرمایه نامطلوب باشد اثر نامطلوب بر زندگی اجتماعی خواهد داشت و اگر مطلوب باشد به زندگی اجتماعی جهت مثبت خواهد بخشید.

البته قصد نگارنده آن نیست که تأثیر فرهنگ بر خانواده را انکار کند، بلکه تأکید بر آن است که نهاد خانواده منشاء و منبع تولید فرهنگ است و فرهنگ چیزی جز نظام ارزش‌ها و هنجارهای نهادینه شده و ساختارهای مبتنی بر هنجارها نیست.

زندگی خانوادگی در درونی ساختن ارزش‌ها نقش بسیار مؤثری می‌تواند ایفا کند. امکاناتی که در درون خانواده برای فرهنگ سازی وجود دارد در هیچ نهاد دیگری نیست. روابط مودت‌آمیز اعضای خانواده که به راحتی خطاها و کاستی‌ها را در خود هضم می‌کند و عرصه‌ای برای رشد و اعتلای افراد فراهم می‌سازد، و نیز تأثیر پذیری از رفتار والدین که با مکانیسم منحصر به فرد انجام می‌پذیرد و آن خیر و برکتی که خداوند در باطن و سرشت خانواده قرار داده است، همه از ابعاد و انواع امکانات بالقوه و بالفعل این مخلوق با عظمت محسوب می‌شوند.

علاوه بر صاحب‌نظران داخلی، اندیشمندان جهان و نهادهای فرهنگی بین‌المللی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که مبدا کوچک شمردن صورت ظاهری خانواده ما را از بزرگ بودن سیرت آن غافل سازد.

درست است که این نهاد با ارزش حیات بشری در مغرب زمین و در زندگی آمریکایی و اروپایی مظلوم واقع شده است، ولی این مظلومیت را متفکران دلسوز عالم می‌بینند و در محافل فرهنگی و علمی جهان به افشای حقایق می‌پردازند. هر چند با گذری بر منابع اصیل دینی خودمان در خصوص ارزش و مقام خانواده با عظمت‌ترین تجلیل‌ها و تمجیدها را دریافت می‌کنیم، ولی پذیرفتن این حقیقت هرگز به این معنا نیست که در انتشار یک پیام خوب با دلسوزان عالم هم صدا نشویم.

تأمل در برخی احادیث ارزشمند رهبران دینی خود این پیام را به ما می‌دهد که اعضای جامعه اسلامی باید برای سالم سازی و پویا نمودن خانواده تلاش و افری بنمایند و از تجارب مطلوب دیگران نیز بهره بگیرند.

در جایی که حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: «حکمت را به دست آورید، ولو از اهل کفر و نفاق» (نهج البلاغه)، دیگر هیچ عذری برای استفاده از تلاش‌های انسانی متفکران عالم باقی نمی‌ماند.

علی - علیه السلام - در فرمانی به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک از آنانی که اهل خاندان شایسته و صالح اند افرادی را برای مناصب مورد نظر برگزین.» (نهج البلاغه)

در واقع ارتباط بین خانواده و سیاست و مملکت‌داری در فرمان امام علی - علیه السلام - به خوبی آشکار می‌شود. به یقین آنانی که در یک خانواده صالح و سالم پرورش یافته‌اند در مسئولیت‌های سیاسی نیز می‌درخشند. چون رفتار سیاسی مدیران در یک زمینه تربیتی خاص معنا پیدا می‌کند و این مناسبات انسانی درون خانواده است که افراد را با صلاحیت‌های همه جانبه می‌سازد.

حضرت علی - علیه السلام - در یک عبارت دیگر می‌فرماید:



آن چه مدرسه می‌آموزد بر

آموخته‌های خانواده مبتنی

است. روحیه کار و تلاش، پرهیز

از تنبلی و سستی، اندیشمندی و

بالندگی که از لوازم توسعه همه

جانبه به شمار می‌رود، در تربیت

خانوادگی بروز و ظهور می‌یابد.



خانواده و اقتصاد جامعه

آیا تأثیر خانواده صرفاً به فرهنگ و امور معنوی محدود می‌شود و در امور اقتصادی و مادی تأثیری ندارد؟

پاسخ آن است که خانواده همه جای حیات اجتماعی را متأثر می‌سازد. به طور کلی، انسانی که به طرز مطلوب تربیت شده باشد، در همه عرصه‌ها رفتارهای مطلوب خواهد داشت.

یکی از اموری که جامعه اسلامی برای رشد و توسعه خود به آن محتاج است، دستان توانا و روحیه‌های با نشاط در عرصه تولید و سازندگی است. زیرا به یقین بدون ساماندهی به امور اقتصادی نمی‌توان به آرزوهای معنوی رسید. البته نگارنده قصد آن ندارد که بگوید امور مادی زندگی اجتماعی زیر بنای امور معنوی است، چرا که اصولاً این ادعا مورد تأیید آموزه‌های دینی نیست. ولی دین اسلام جامعه فقیر و ذلیل نیز



نمی‌طلبد.

پس برای ساماندهی مثبت جنبه‌های گوناگون سازندگی چه باید کرد؟ در این جا نیز می‌توان تأثیر عملکرد خانواده را مشاهده کرد. کسی که در زندگی خانوادگی مهارت و روحیه بالنده را به دست نیاورد، زمینه‌های اولیه و ضروری برای کسب قابلیت‌های لازم را در جامعه نخواهد داشت.

ذکر این نکته لازم است که آن چه مدرسه می‌آموزد بر آموخته‌های خانواده مبتنی است. روحیه کار و تلاش، پرهیز از تنبلی و سستی، اندیشمندی و بالندگی که از لوازم توسعه همه جانبه به شمار می‌رود، در تربیت خانوادگی بروز و ظهور می‌یابد.

به ما آموخته‌اند مردی که برای تأمین معاش خانواده خود فعالیت می‌کند مانند مجاهدی است که در میدان نبرد می‌جنگد. تأمین معاش هم درون خانواده را می‌سازد و هم در بیرون، فقر و ذلت را از بین می‌برد.

به طور معمول گفته می‌شود که قناعت و رعایت اعتدال در مصرف، کلید خوشبختی است. در قرآن نیز آمده است: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.» (سوره اعراف، آیه

«حوائج خود را از مردم شریف النفس و صاحب خانواده‌های پاک طلب کنید، زیرا حوائج نزد آنان بهتر روا می‌شود و پاکیزه‌تر صورت می‌گیرد.» (غررالحکم، ص ۳۲۷)

این بیان امام رابطه خانواده با حیات اجتماعی را آشکار می‌سازد.

در جامعه انواع انسان‌ها و با توانایی‌های متفاوت زندگی می‌کنند. برخی توانا و بعضی ناتوان‌اند. تواناها در مقابل ناتوان‌ها مسئولیت دارند، ولی کدام توانایی این روحیه انسانی را دارد که در جامعه دست ناتوان را بگیرد ولی هرگز به تحقیر او راضی نشود؟

این نوع تواناها بدون تردید در خانواده‌های با کرامت و اصیل پرورش پیدا می‌کنند. اگر این خصلت‌های انسانی در خانواده به دست نیاید در هیچ جای دیگر به دست نخواهد آمد. البته خانواده بالفطره دارای چنین قابلیت است. اگر قواعد و هنجارهای دینی در خصوص تشکیل خانواده به درستی رعایت شود چیزی جز کرامت و بزرگواری از آن بر نخواهد خاست.

روحیه پرهیز از اسراف را در کجا باید ایجاد کرد؟ آیا جز این است که فرهنگ قناعت از آموزه‌های اصیل خانوادگی است؟ پاسخ آن است که پدر و مادر قانع و خانواده معتدل، فرزند معتدل و قانع پرورش می‌دهد.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

خانواده و جامعه رابطه مستقیم و آشکاری با یکدیگر دارند و حیات اجتماعی سالم از خانواده‌های سالم شکل می‌گیرد. به یقین بدون پرداختن به وضع خانواده و بدون داشتن برنامه مناسب برای سلامت و بقای این نهاد مقدس، دست یابی به زندگی پویا و رشد یابنده امری محال است. به همین دلیل از آموزه‌های اعتقادی و تجارب جهانی باید بهره گرفت و دلالت‌های لازم را برای تأثیر گذاری و جهت دهی منطقی به روابط خانوادگی به دست آورد. فرهنگ جامع روابط انسان‌ها، اقتصاد جامعه و سایر جنبه‌های حیات اجتماعی، بدون استثنا، از آموزه‌های خانوادگی تأثیر می‌پذیرند. به طور کلی، تمام اموری که بعد ارزشی دارند و به هسته مرکزی زندگی انسان مربوط می‌شوند، از طریق نهاد مقدس خانواده درونی می‌گردند.

پیش نهادها:

در خاتمه پیش نهادهایی ارائه می‌گردد که سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان و نهادهای مشابه می‌توانند با عنایت به

روحیه پرهیز از اسراف را در کجا باید ایجاد کرد؟ آیا جز این است که فرهنگ قناعت از آموزه‌های اصیل خانوادگی است؟ پاسخ آن است که پدر و مادر قانع و خانواده معتدل، فرزند معتدل و قانع پرورش می‌دهد.



آن‌ها در جهت توسعه برنامه‌های خانوادگی قدم‌های مؤثر و کاربردی بردارند.

۱- جمع بندی و تدوین تجارب مثبت و مطلوب بین‌المللی یکی از امور ضروری است. بدون تردید همه تولیدات فکری جهان در خصوص خانواده، مطلوب ما نیستند. لازم است پژوهشکده اولیا و مربیان در قالب یک کار مطالعاتی و با سؤالات مشخص، تولیدات و تجارب فرهنگی و فکری متناسب با ارزش‌های انسانی را گردآوری کند و در مجموعه‌ای تحت عنوان «خانواده و تجارب مثبت جهانی» مدون سازد

۲- تدوین الگوی خانواده در اسلام، طرحی است که هم چنان معطل مانده است. آن چه در مقالات و کتاب‌ها در خصوص خانواده ذکر شده است، سیمای خانواده در اسلام نیست. لذا پیش نهاد می‌شود انجمن اولیا و مربیان با همکاری سایر دستگاه‌های مرتبط، الگوی خانواده در اسلام را از طریق مطالعه و تحقیق به دست آورد و بدین وسیله یک اثر جاویدان از خود به یادگار بگذارد.

۳- ضروری است یک بانک اطلاعاتی جامع از تولیدات فکری و علمی که توسط اهل قلم و اندیشه در قالب مقالات، کنفرانس‌ها و کتاب‌ها در مورد خانواده منتشر شده است، تهیه گردد و سپس با یک رویکرد «فرا تحلیلی» اصول، قواعد و روش‌هایی در مورد ارزیابی برنامه‌های مربوط به توسعه و تقویت خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

گاهی ممکن است سؤالاتی را طرح و برای پاسخ آن‌ها تلاش کنیم که قبلاً پاسخ داده شده است، یا ممکن است سؤالات اساسی که با توجه به شرایط حاضر طرح آن‌ها ضروری است به ذهن نیاید، در حالی که با مطالعه و تحلیل تحقیقات و مکتوبات قبلی چه بسا بتوانیم به سؤالات تازه‌ای دست پیدا کنیم.

نباید از یاد برد آنان که سؤال خوب طرح می‌کنند، در واقع کلید‌هایی را برای باز کردن قفل‌های فکری و فرهنگی فراوان تدارک می‌بینند.

منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- غررالحکم.
- جمعی از مؤلفان: خانواده و تعلیم و تربیت.